

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱)

سعید میرترابی^۱، محسن کشوریان آزاد^۲

تاریخ دریافت: ۱۹. ۱۲. ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲۲. ۰۹. ۱۳۹۷

چکیده

گسترش و فراگیری تروریسم؛ به‌ویژه از نوع سازمان یافته آن، سبب شده است تا امروزه محققان این عرصه برای شناخت، بررسی ریشه‌ها و همچنین، روش‌های جلوگیری از آن درصدد پاسخی مناسب برآیند. از آنجایی که منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از کانون‌های رشد تروریسم در جهان مطرح است، در پژوهش حاضر به تحلیل اثر پولشویی به‌عنوان یکی از عوامل تقویت گروه‌های تروریستی در منطقه خاورمیانه پرداخته شده و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که پولشویی چگونه به رشد گروه‌های تروریستی سازمان یافته (القاعده و داعش) در خاورمیانه از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ کمک کرده است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله این است که پولشویی از طریق ایجاد پوشش امن برای تأمین بخش عمده منابع مالی و داد و ستدهای بیرونی گروه‌های سازمان یافته تروریستی با طرف‌های خارجی، زمینه رشد تروریسم سازمان یافته را از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ در خاورمیانه فراهم کرده است. مقاله گستردگی و پیچیدگی روش‌های مورد استفاده گروه‌های تروریستی سازمان یافته برای داد و ستد و نقل و انتقال پول با توسل به پولشویی را نشان می‌دهد که بیانگر لزوم جامعیت و تجمع اراده سیاسی در سطح منطقه و فرامنطقه برای برخورد با این معضل است و این مهم زمانی تحقق می‌یابد که این ساز و کارها و تدابیر، وسیله بهره برداری سیاسی علیه دیگران در منطقه قرار نگیرد؛ وضعیتی که متأسفانه امروز در برخورد نظام و شبکه بانکی غرب علیه کشورمان به چشم می‌خورد. روش تحقیق مقاله توصیفی- تبیینی است.

واژه‌های کلیدی: پولشویی، تروریسم، تأمین مالی، داد و ستد، القاعده، داعش

۱. (نویسنده مسئول)، استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران، ایران saeedmirtorabi@gmail.com

۲. دانشجوی دوره دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

تروریسم و توسعه روزافزون آن، یکی از معضلات عمده خاورمیانه است که می‌توان ریشه آن را در سه دهه پیش؛ یعنی آغاز تهاجم شوروی به افغانستان جستجو کرد. حملات انتحاری ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در نیویورک آمریکا باعث شد فضای حاکم بر منطقه خاورمیانه امنیتی‌تر و سیاسی‌تر شود و معضل تروریسم، اهمیت ویژه‌ای در مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و روابط بین‌الملل پیدا کند. با حمله آمریکا به افغانستان و البته وجود بسترهای مناسب رشد چنین گروه‌هایی در کشورهای اسلامی، القاعده توانست به صورت شبکه‌ای در عراق، یمن، سومالی، لیبی و... رشد کند (جان‌نثار و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۳). تروریست‌ها در جریان اقدامات تروریستی خود امتیازات بزرگ و نتایج مطلوبی را از طرف مقابل که عمدتاً دولت‌ها هستند، به دست می‌آورند (Pape, 2003: 220) و امروزه مردم، دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و بین‌المللی هر کدام به نحوی با پدیده تروریسم؛ به‌ویژه از نوع سازمان‌یافته آن مواجه هستند. از این‌رو، دولت‌ها و واحدهای سیاسی ناگزیر به اتخاذ راهکارهای مناسب در مقابل آن و محققان عرصه‌های مختلف در پی چرایی و چگونگی رشد این پدیده هستند.

تروریسم به‌عنوان یک جرم ملی و فراملی و به‌خصوص از نوع سازمان‌یافته آن به دلایل مختلف؛ از جمله استمرار بخشیدن به حیات خود و کسب سود و درآمد برای تشکیلات و اعضا، ارتباط نزدیکی با جرائم مالی دارد (عظیمی و میرزایی، ۱۳۹۴: ۲۸). تحولات دهه‌های اخیر و جهانی‌شدن اقتصاد به موازات ایجاد فرصت‌های نوین برای پیشرفت و توسعه، مخاطراتی جدی در زمینه بروز و گسترش جرائم مالی به همراه داشته است. پولشویی یکی از مصادیق روشن و بارز اهداف این تشکیلات جنایی است که علاوه بر وارد کردن لطمه‌های جبران‌ناپذیر اقتصادی و سیاسی به دولت‌ها، موجب گسترش جرائم

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۳۹

سازمان یافته شده و آثار ناگواری را برای دولت‌ها در پی داشته است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

در ارتباط با پولشویی و تروریسم و رابطه آن دو با یکدیگر، گروه کاری اقدام مالی (FATF) به عنوان نهاد بین دولتی در سال ۱۹۸۹ با هدف توسعه و گسترش سیاست‌های مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم تشکیل شد. گروه مذکور یک نهاد سیاست‌گذار تلقی می‌شود که در راستای انجام اصلاحات قانونی و حقوقی ملی در زمینه مبارزه با پولشویی و مقابله با تأمین مالی تروریسم، به تدوین و انتشار توصیه‌های عملی پرداخته است (FATF, 2004). با وجود این، اگرچه در زمینه مبارزه با پولشویی، اقدامات حقوقی و قوانین و مقرراتی در عرصه بین‌المللی شکل گرفته؛ اما به چگونگی ارتباط بین پولشویی و تروریسم و نقش پولشویی در گسترش تروریسم، چنانکه باید، پرداخته نشده است. در نگاه نخست، ممکن است پولشویی جرمی بدون قربانی در نظر آید که ناامنی ناشی از فعالیت‌های مجرمانه در مورد آن احساس نشود؛ اما با توجه کافی، مشاهده می‌شود که پولشویی عارضه‌ای ثانویه و متناظر با یک جرم منشأ مانند قاچاق، سرقت و دیگر فعالیت‌های تبهکاری است که دارای تبعات و پیامدهای منفی زیادی است.

از این رو، اهمیت و ضرورت نگارش این مقاله از دو جهت است: اولاً با وجود برخی پژوهش‌ها درباره شناخت علل و زمینه‌های بسترساز تروریسم، درباره نقش پولشویی در گسترش تروریسم سازمان یافته توجه کافی نشده و پژوهش فراگیر و برانده‌ای در این باره انجام نگرفته است؛ ثانیاً، این مقاله بسترها و پیچیدگی‌های تأمین مالی تروریسم را نشان می‌دهد و با برآوردی واقع‌بینانه از حجم این فعالیت‌ها، ریشه‌های رشد این گروه‌های تروریستی را برای نهادهای مقابله‌کننده با تروریسم در دستگاه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور آشکار می‌سازد تا سیاست‌گذاری مناسب برای جلوگیری از دستیابی گروه‌های

تروریستی به عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه و پولشویی برای عرصه تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران فراهم گردد.

در همین راستا، مهم‌ترین پرسش مقاله این است که پولشویی چگونه به رشد گروه‌های تروریستی سازمان یافته (القاعده و داعش) در خاورمیانه از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ کمک کرده است؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه مقاله این است که پولشویی از طریق ایجاد پوشش امن برای تأمین بخش عمده منابع مالی و داد و ستدهای بیرونی گروه‌های سازمان یافته تروریستی با طرف‌های خارجی، زمینه رشد تروریسم سازمان یافته را از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ در خاورمیانه فراهم کرده است. بنابراین، بر اساس این فرضیه ادعا می‌شود که بین پولشویی به عنوان متغیر مستقل و رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه به عنوان متغیر وابسته، رابطه علی وجود دارد و پولشویی از طریق «ایجاد پوشش امن» برای تأمین منابع مالی و داد و ستدهای بیرونی گروه‌های سازمان یافته تروریستی، در قالب متغیر میانجی، اثرگذاری خود را بر متغیر وابسته انجام می‌دهد. در ادامه، در مسیر آزمون فرضیه مطرح شده، ابتدا مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با پولشویی و تروریسم و راه‌های تأمین مالی تروریسم سازمان یافته بررسی شده است تا پس از تمهید بنیان نظری لازم، فرضیه مطرح شده در چارچوب داده‌ها و شاخص‌های مورد نظر آزمون شود.

۱. رویکرد نظری

۱-۱. پولشویی: پولشویی به شیوه‌های گوناگون توسط نهادهای بین‌المللی و نویسندگان مختلف تعریف شده است (Hamin & Wan Rosli, 2013: 410). مرکز بین‌المللی بهبود سرمایه (ICAR) در سال ۲۰۱۱ دلیل نقص در تعریف پولشویی را وجود رویه‌های متفاوت قانونی در داخل کشورها دانسته است. مرکز بین‌المللی بهبود سرمایه، پولشویی را این گونه

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۴۱

تعریف کرده است: «فرایندی که در آن جنایتکاران منشاء اصلی و طبیعی را که دارایی از آن به دست می‌آید، پنهان می‌کنند» (Hamin and Cooperators, 2015: 790).

گروه اقدام کاری مالی درباره پولشویی^۱ (FATF)، پولشویی را فرایندی در نظر می‌گیرد که در آن یک فرد یا گروه با توسل به اعمال جنایی، سودی را با پنهان کردن منشاء غیرقانونی عمل خود به دست می‌آورد و این دستیابی نامشروع را به صورت مشروع نشان می‌دهد (FATF, 2004: 5). ماده بیست و سوم کنوانسیون پالرمو سازمان ملل متحد، پنج عمل را به عنوان شستشوی عواید حاصل از جرم شناخته است: کمک به دیگری برای حفظ منافع جرم، تحصیل و استفاده از منافع مجرمانه، اختفا یا انتقال منافع برای اجتناب از تعقیب، اطلاع‌رسانی نهانی، عدم افشای ارتکاب جرم تطهیر پول در صورت علم داشتن به آن (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، ۲۰۰۳: ۱۷).

در سال ۲۰۰۴، گروه کاری اقدام مالی (FATF)، ۹ توصیه را به چهل توصیه قبلی خود در ارتباط با پولشویی اضافه کرد. این گروه در توصیه دوم خود، فعالیت‌های مجرمانه گروه‌های تروریستی در جهت تأمین مالی را از جرائم اصلی پولشویی برشمرد و از دولت‌ها خواست این گونه اقدامات را جرم تلقی کرده و زمینه‌های لازم برای پیشگیری، کشف و توقف تأمین مالی تروریسم را فراهم آورند (رحمانی، ۱۳۸۹: ۹۷). عملیات پولشویی بر روی اموال نامشروع مانند اموال حاصل از فروش مواد مخدر، سرقت، کلاهبرداری، اخاذی، قاچاق اسلحه، قاچاق انسان و ... صورت می‌گیرد تا منشاء نامشروع پول‌های حاصل مخفی و به ظاهر مشروع و قانونی قلمداد شود (Hamin and Cooperators, 2015: 790).

پولشویی به صورت پیچیده، درازمدت و گروهی انجام می‌گیرد و می‌تواند از محدوده جغرافیایی یک کشور فراتر رود (Driggers, 2011: 930). در نتیجه، پولشویی دارای

ماهیت فراملی و سازمان‌یافته است که خارج از چارچوب نرم‌های قانونی و مشروع دولتی در جهت منافع اشخاص و گروه‌های خاصی عمل می‌کند.

۱-۲. **تروریسم:** تروریسم از واژه‌های مبهم در عرصه بین‌المللی است که به علت پیچیدگی مفهوم و مصادیق آن با نوعی بحران معنا در تعریف و تحدید قلمرو مواجه است و افراد و سازمان‌های دولتی و غیردولتی به‌طور مکرر آن را به‌کار می‌برند؛ اما هرکدام برداشت‌های خاص خود را از آن دارند که در بسیاری موارد با برداشت دیگران متفاوت است؛ به‌طوری که در برخی از تعاریف به طرز عمل سازمان‌های تروریستی تأکید می‌شود و در برخی دیگر، انگیزه و شخصیت تروریست‌ها مورد توجه است (Ganor, 2002: 290). قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت در سال ۲۰۰۴، تعریف هنجاری از تروریسم ارائه می‌دهد: «تروریسم به هرگونه عملی اطلاق می‌شود که قصد آن قتل یا جرح غیرنظامیان و افراد غیررزمنده باشد؛ به شرطی که هدف چنین اقدامی به لحاظ ماهیتی یا شرایط حاکم بر آن، ارعاب مردم یا وادار کردن یک دولت و یا یک سازمان بین‌المللی به انجام یک عمل یا اجتناب از آن عمل باشد» (آقایی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

در شماری دیگر از تعاریف، بر ماهیت سازمان‌یافتگی تروریسم تأکید می‌شود: «ترور کار منفرد یا عاطفی نیست؛ بلکه اقدامی گروهی، سازمان‌یافته و حتی یک استراتژی سیاسی است که در آن سه نکته بنیادی دیده می‌شود: کاربرد خشونت، وجود هدف‌های سیاسی و قصد ایجاد ترس در جمعیت هدف» (مقصودی و حیدری، ۱۳۸۸: ۳۸). آنچه امروزه در گروه‌های تروریستی خاورمیانه؛ به‌ویژه القاعده و داعش دیده می‌شود، سازمان‌یافتگی آنها است. درواقع، تروریسم مصداق بارز جرم سازمان‌یافته است که به صورت تشکیلات و شبکه‌های پیچیده درآمده است. عموم سازمان‌های تروریستی در این منطقه به‌صورت تشکل مجرمانه سازمان‌یافته‌ای درآمده‌اند که از ساختار هرمی شکل برخوردارند و قواعد سخت و لازم‌الاجرای میان اعضای آنها حکمفرماست. روابط میان این اعضا مجرمانه و

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۴۳

سری است و به راحتی امکان نفوذ به آن وجود ندارد، فعالیت این گروه‌ها دائمی است و برای ارتکاب جرائم برنامه‌ریزی می‌کنند (سلیمی، ۱۳۸۲: ۲۵). آنها در جهت حفظ قدرت سازمان یافته خود به حجم بزرگی از منابع مالی و امکانات برای خرید تسلیحات و بهره‌گیری از سیستم اطلاعاتی نیازمند هستند که عموماً این منابع از طریق نامشروع و به شکل سازمان یافته تأمین می‌شود. نمونه بارز این روش‌های نامشروع پولشویی است.

۱-۳. راه‌های تأمین مالی تروریسم: به علت ماهیت پنهان گروه‌های تروریستی، هرگونه برآورد، تحلیل و بررسی هزینه‌ها و شیوه‌های تأمین مالی تروریسم، با دشواری‌های فراوانی روبه‌روست و به‌طور مشخص داده‌های درخور اتکای چندانی در رابطه با دستیابی گروه‌های تروریستی به منابع مالی منتشر نشده است؛ اما شواهد و مدارکی وجود دارد که می‌توان از طریق آنها شیوه‌های دستیابی این گروه‌ها به منابع مالی را استخراج کرد.

تأمین مالی تروریسم عبارت است از: حمایت مالی از اقدامات تروریستی یا تشویق، طراحی و همکاری در فعالیت تروریستی. در تعریفی دیگر، تأمین مالی تروریسم، فراهم کردن شرایط داد و ستد و سرمایه‌گذاری منابع مالی گروه‌های تروریستی است (Hamin & Cooperators, 2015: 791). سازمان‌های تروریستی برای حفظ و سازماندهی خود، به بودجه و تأمین مالی نیازمند هستند و به‌طور کلی، روش‌های تأمین مالی آنها را در سه مورد زیر می‌توان خلاصه کرد: ۱- حمایت به‌وسیله دولت‌های دیگر؛ ۲- تأمین مالی به‌وسیله ابزارهای مشروع (تجارت، مؤسسه‌های خیریه و حمایت‌های پراکنده)؛ ۳- تأمین مالی ویژه به‌وسیله ابزارهای غیرقانونی که معمولاً شامل فعالیت‌های جنایی، همانند بانک‌ربایی، قاچاق مواد مخدر و دارو، قاچاق انسان و اخاذی می‌شود (Unger & Linde, 2013: 81).

یک دولت معمولاً زمانی به گروه‌های تروریستی کمک می‌کند که بتواند از آنها به‌عنوان ابزاری برای سیاست خارجی در جهت ضعیف‌تر کردن دشمن و بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی آن استفاده کند. در اینجا معمولاً دولت حمایت‌کننده و گروه‌های حمایت‌شده از

نظر اهداف، منافع مشترک و عقاید شبیه به هم هستند (Casella, 2003). در حوزه خاورمیانه می‌توان به شواهد فراوانی اشاره کرد که طی آن، شماری از دولت‌ها به منظور تعقیب منافع مورد نظرشان در منطقه، از گروه‌های تروریستی حمایت مالی می‌کنند. فرضاً کمک‌های مالی عربستان و قطر به گروه‌هایی همچون داعش و جبهه النصره را می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد.

تأمین مالی از طریق فعالیت‌های مشروع، اغلب به یک حمایت‌کننده داوطلبانه (اهدای مؤسسه‌های خیریه)، شخص خاص و یا حمایت محلی مربوط می‌شود. گروه‌های تروریستی زمانی از حمایت مالی داوطلبانه برخوردار می‌شوند که قادر باشند سطح گسترده‌ای از حمایت‌های مردمی را با ساختن ایدئولوژی منسجمی به‌دست آورند. در همین راستا، می‌توان به گزارش‌های فراوان موجود در ارتباط با ارسال کمک‌های مالی از سوی افراد یا گروه‌ها به سازمان القاعده اشاره کرد (Unger & Linde, 2013: 83).

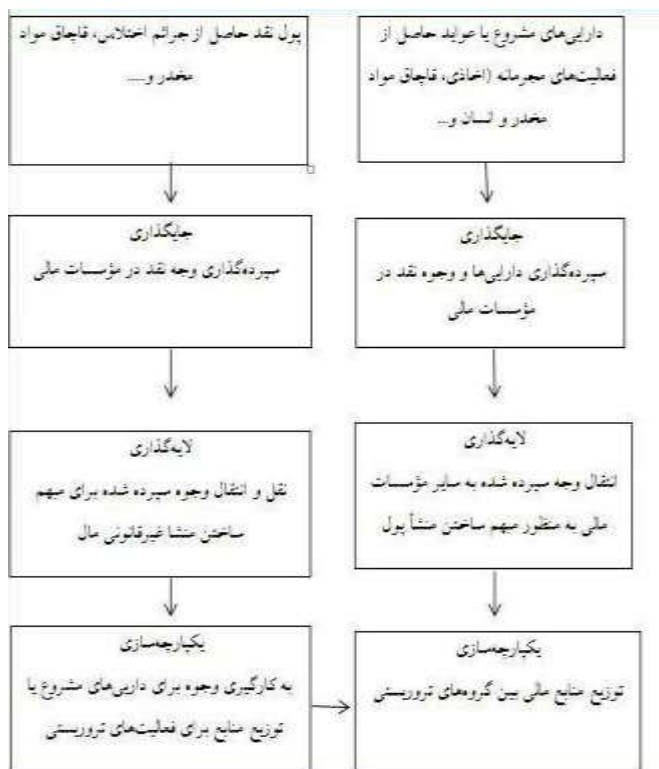
گروه‌های تروریستی همچنین در کنار جذب حمایت‌های محلی و بین‌المللی، به فعالیت‌های جنایی و غیرقانونی برای تأمین پول نیز متوسل می‌شوند. تروریست‌ها امکاناتی را به‌وجود می‌آورند که از طریق آن، گردش‌های پولی نامشروع خود را به صورت مشروع جلوه دهند و عمل شرکای جنایی خود را مخفی نگه دارند (ibid, 2013: 84). در مجموع، در ارتباط با روش‌های یاد شده، درباره تأمین مالی تروریسم می‌توان گفت به غیر از تأمین منابعی که توسط دولت‌های حامی صورت می‌گیرد و معمولاً به شکل مخفیانه است، دو روش دیگر تأمین مالی گروه‌های تروریستی در فرایند پولشویی درگیر هستند:

۴-۱. رابطه پولشویی و تأمین مالی تروریسم: هر گروهی که منابع مالی‌اش را از روش‌های غیرقانونی و جنایی به‌دست آورد، در هزینه کردن درآمدهایش دچار مشکل می‌شود.

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۴۵

پول‌هایی را که به شیوه‌ای قانونی تحصیل شده و اصطلاحاً پول پاک خوانده می‌شوند، می‌توان مصرف کرد، تبدیل نمود و یا درجایی سرمایه‌گذاری کرد؛ اما پولی را که به شیوه‌ای غیرقانونی تحصیل شده است، تنها می‌توان مصرف کرد (McCarthy, 2014). براین اساس، می‌توان گفت پول کثیف موارد مصرف چندانی در دنیای امروز ندارد. بنابراین، صاحبان این پول‌ها به دنبال تطهیر آنها با توسل به روش‌های مختلف پولشویی هستند، تا از این طریق ماهیت این منابع مالی را تغییر دهند و شیوه تحصیل‌شان را بپوشانند. نکته مهم در اینجا این است که یک گروه تروریستی همچون داعش که سرزمین‌های خاصی را در کنترل خود دارد، در هزینه کردن منابع درآمدی‌اش در قلمرو خودش، با مشکل روبه‌رو نمی‌شود؛ اما دادوستدهای بیرونی این گروه‌ها فرضاً برای خرید کالاها و تجهیزات مورد نیاز یا نقل و انتقال و سرمایه‌گذاری منابع مالی، بدون پوشاندن منشأ پول‌های مورد استفاده عملاً امکان پذیر نیست (Duhaime, 2015). واقعیت این است که گروه‌های تروریستی لزوماً انگیزه اولیه‌ای برای مشروع سازی منابع مالی خود ندارند؛ اما الزامات بهره‌گیری از منابع مالی، آنها را به سوی استفاده از روش‌های پولشویی برای استفاده از منابعشان سوق می‌دهد (Gunaratna, 2002: 32). نمودار ۱-۱ فرایند جرم پولشویی و تأمین مالی گروه‌های تروریستی را با هم مقایسه کرده است.

نمودار ۱-۱: فرایند جرم پولشویی و تأمین مالی تروریسم



منبع: جزایری، ۱۳۸۲: ۶۵

پولشویی و تأمین مالی تروریسم دو فعالیت متفاوت به نظر می‌رسند. پولشویی به سرمایه جنایی و پول کثیف ظاهر قانونی می‌بخشد؛ درحالی که تروریست‌ها سرمایه خود را مخفی نگه می‌دارند یا اینکه مانند مؤسسه‌های خیریه، منشاء آن را به طور کلی قانونی می‌دانند؛ اما این تفاوت تقلیل‌گرایانه^۱ است؛ زیرا هدف و نیت هر دو دستیابی به پول است؛ پولی که از

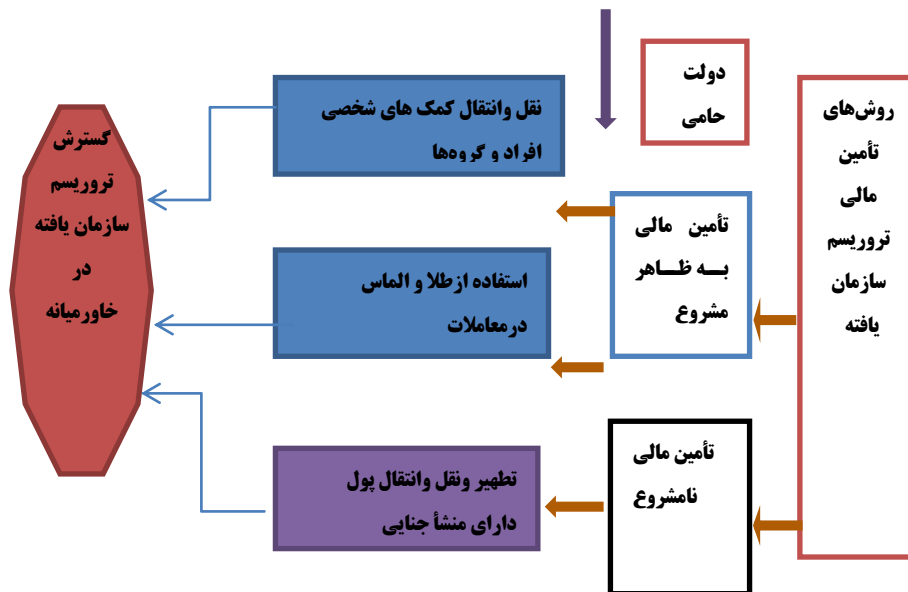
تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۴۷

فعالیت‌های جنایی گرفته شده است و منشاء قانونی در سیستم مالی برای آن ایجاد شده است. بنابراین، می‌توان گفت هر دو جرم سازمان‌یافته علیه سیستم مالی و نهادهای عمومی هستند (Thony, 2003: 4).

پولشویی به دنبال این است که منشاء سرمایه خود را از توجه و کشف پنهان سازد و تأمین مالی تروریسم هم همانند پولشویی، تلاشی است در جهت پنهان کردن منشاء منابع مالی خود از توجه و کشف. این بدین معناست که آنها دو تکنیک شبیه هم هستند که در تطهیر و شستشوی منشاء منابع مالی از آنها استفاده می‌شود (Kersten, 2002: 56). به طور کلی، می‌توان گفت پولشویی و تأمین مالی تروریسم هر دو برای ذخیره سازی و جابه‌جایی سرمایه خود از روش‌های یکسانی استفاده می‌کنند (HM Treasury, 2015: 89). در نمودار زیر، رابطه میان متغیرهای تحقیق بر مبنای فرضیه و بحث نظری مطرح شده، ترسیم شده است. بر این اساس، می‌توان سه روش عمده تأمین مالی گروه‌های تروریستی را مد نظر قرار داد که از این میان، دو روش عمده با استفاده از روش‌های پولشویی صورت می‌پذیرد.

نمودار ۱-۲: الگوی نظری برگزیده تحقیق

متغیر مستقل	متغیرهای میانجی	متغیرهای وابسته
پولشویی	ایجاد پوشش امن برای تأمین مالی داد و ستد با طرف‌های خارجی	گسترش تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (داعش، القاعده)



۲. ابعاد منابع مالی و نقل و انتقال مالی گروه‌های سازمان یافته تروریستی

گروه‌های تروریستی، برای مقاصد مختلف خود به پول نیاز دارند. بخشی از نیازها را می‌توان به‌عنوان نیاز عملیاتی در نظر گرفت که مقصود از آن، مجموعه پول‌هایی است که به‌طور مستقیم برای اجرای عملیات تروریستی هزینه شوند؛ اعم از خرید سلاح، تهیه مدارک جعلی هویتی و سفر و ... با این همه، گزارش بیراستکر واکرت^۱ حاکی از آن است که حدود ۱۰ درصد از کل هزینه‌های گروه‌های تروریستی را هزینه‌های عملیاتی تشکیل می‌دهد و عمده نیازهای هزینه‌ای به نگهداری و گسترش گروه تروریستی اختصاص دارد. این نیازها را می‌توان شامل پرداخت دستمزد اعضای گروه، تأمین آموزش ایدئولوژیک و نظامی و هزینه‌های عضوگیری و تبلیغات به حساب آورد (Biersteker & Eckert, 2008)

1. Biersteker & Eckert

8. در این میان، می‌توان گفت گروه داعش به واسطه کنترل بخش زیادی از سرزمین‌های عراق و سوریه، هزینه متفاوت دیگری را نیز بر دوش دارد و آن، انجام برنامه‌های اجتماعی خاصی است تا ساکنان سرزمین‌های تحت کنترل خود را به اطاعت از فرامینش ترغیب یا وادار کند. داعش همچنین در هیأت یک تشکیلات حکومتی، هزینه‌های ارائه خدمات در این حوزه همچون تشکیلات خاص دادگستری را برعهده دارد (Stergiou, 2016: 198).

در عمل دشوار است که هزینه‌ها و بودجه سالانه گروه‌های تروریستی را محاسبه کرد؛ برای مثال، بودجه سالانه القاعده در بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۱ حدود ۵۰-۲۰ میلیون دلار تخمین زده شده است (Schneider, 2010: 541) و برآوردها از درآمد داعش در اواسط سال ۲۰۱۴، سه میلیون دلار در روز بوده و دارایی‌های آن نیز بین ۱/۳ تا ۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است (UNSC, 2014: 2170).

چنانکه اشاره شد، تروریست‌ها برای تقویت و حفظ سازمان خود به منابع مالی هنگفتی نیازمند هستند که برای دستیابی به این منابع از روش‌های متعددی استفاده می‌کنند. این روش‌ها گاهی رابطه مستقیمی با پولشویی و مشروع جلوه دادن ندارند. فرضاً مالیات‌گیری گروه داعش در قلمرو تحت کنترل خود (محروق، ۱۳۹۴: ۱۱۳۹) و یا چپاول محصولات کشاورزی با کنترل زمین و ابزار تولید (FATF, 2015: 15) را نمی‌توان در حوزه فعالیت‌های پولشویی قرار داد. کمک‌های مالی دولت‌های حامی این گونه گروه‌ها را نیز به سبب ماهیت عمدتاً پنهان و روش‌های مورد استفاده در انتقال پول را عموماً جزو موارد پولشویی گروه‌های تروریستی به حساب نمی‌آورند. در واقع، اگر در این مورد روش‌های پولشویی به کارگرفته شود، عامل آن را باید دولت‌های حامی - و نه گروه‌های تروریستی - به حساب آورد. در این شیوه‌ها تروریست‌ها به‌طور اساسی در فرایند پولشویی دخیل نیستند؛ بلکه به صورت آشکار و گاه مخفیانه درصدد دسترسی به منابع مالی خویش هستند. بنابراین، تأمین مالی تروریسم به روش‌های گوناگونی انجام می‌گیرد که یکی از آنها

پولشویی است. در واقع، نسبت بین پولشویی و تأمین مالی تروریسم عموم و خصوص مطلق است. البته، درآمدهای حاصل از فعالیت‌های فوق، در بعضی مواقع از طریق سیستم پولی و مالی وارد جریان پولشویی شده و تطهیر می‌گردند که در ادامه به آنها اشاره شده است. در زیر برای رسیدن به هدف این مقاله، برخی از شیوه‌های دسترسی دو گروه تروریستی القاعده و داعش به منابع مالی که به وسیله جرم سازمان‌یافته پولشویی انجام می‌گیرد، در محدوده زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ بررسی می‌شود تا زمینه مقابله و محدودسازی آنها که هدف اصلی نوشتار حاضر است، محقق گردد.

مواردی از پولشویی در زیر توضیح داده می‌شود که گروه‌های تروریستی برای افزایش توان مالی خود از آنها استفاده می‌کنند. اگرچه در اغلب این موارد، این منابع مالی از درآمدهای مجرمانه حاصل از جرائم مستقیم تأمین می‌شود؛ اما تروریست‌ها و مجرمان برای نیل به مقصود خود، ناگزیر به بهره‌برداری از فنون پولشویی هستند تا از این طریق، وجوه خود را مشروع و قانونی جلوه دهند. همچنین، در تعاریف نهادهای مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم به این موارد به‌عنوان روش‌های پولشویی اشاره شده است که دولت‌ها باید برای مقابله با آنها و ریشه‌کن کردن تروریسم با هم همکاری داشته باشند. همان‌گونه که اشاره شد، گروه‌های سازمان‌یافته تروریستی عموماً برای تأمین مالی و دادوستدهای بیرونی خود ناگزیرند منشاء منابع مالی خود را مخفی کنند و در اینجاست که تروریسم و پولشویی با هم پیوند می‌خورد. گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش در شمار زیادی از مناطق و کشورها فعالیت دارند و پشتیبانی مالی از این گونه فعالیت‌ها نیازمند نقل و انتقال منابع مالی این گروه‌ها در سطوح گسترده است. در اینجاست که بحث بهره‌برداری گروه‌های تروریستی از نظام‌ها و شبکه‌های بانکی و مالی موجود مطرح می‌گردد. در واقع، یکی از رایج‌ترین روش‌های پولشویی، استفاده از نظام بانکی و مؤسسات مالی است. امروز به واسطه امکان دسترسی آسان به بانک و سهولت انتقال وجوه از یک

نقطه به نقطه دیگر و همچنین، امکان بهره‌برداری از واریز وجوه توسط افراد متعدد و پایبندی بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی به ضوابط مربوط به حفظ اسرار مشتریان، حتی در مقابل مقامات قانونی، امکانات گسترده‌ای برای بهره‌گیری از شبکه‌های بانکی و مؤسسات مالی برای پولشویی فراهم آمده است. این امر سبب تشویق پولشویان به استفاده از این نظام در روند پولشویی شده است. ضوابط مربوط به حفظ اسرار مشتریان، بانک‌ها را از آشکار نمودن اسرار مشتریان منع می‌کند. آنها فقط حق دارند اطلاعات را در اختیار مأموران مالیات بگذارند. بنابراین، بسیار مشکل است که بتوان منشأ پولی را که قانونی یا غیرقانونی است، پیگیری کرد (خدادادی زاده، ۱۳۹۳: ۳۷). در این روش، وجوه نقد حاصل از عملیات مجرمانه، نزد شعب بانکی و یا هر نوع نهاد مالی و اعتباری دیگری سرمایه‌گذاری می‌شود. با توجه به اینکه معیار مشخصی برای تشخیص پول پاک از پول کثیف وجود ندارد، تروریست‌ها می‌توانند در بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی با گشایش حساب بانکی با نام‌های مجعول، حواله تلفنی یا حساب تلفنی، اینترنتی و الکترونیکی، مبالغ قابل توجهی پول را سپرده‌گذاری کنند و در زمان لازم انتقال دهند. بنابراین، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی با معاوضه پول نامشروع از طریق افتتاح یک حساب بانکی تحت نامی کاذب، ارائه صندوق امانت، تسهیلات انتقال به گونه‌ای که بتوان پول نامشروع را به یک مقصد مشروع مناسب منتقل نمود، در عمل در پولشویی و کمک به گروه‌های تروریستی نقش آفرینی می‌کنند. شواهد موجود حاکی از آن است که نقل و انتقال پول توسط گروه‌های تروریستی القاعده و داعش هم با استفاده از روش‌های سنتی جابه‌جایی پول همانند نظام حواله پول صورت می‌پذیرد و هم از راه بهره‌گیری از روش‌های نوین بانکداری و جابه‌جایی پول با بهره‌گیری از شبکه‌های بانکداری الکترونیک. نظام حواله برای انتقال پول از گذشته؛ به‌ویژه در منطقه خاورمیانه رواج داشته است. با این همه، این نظام ویژگی‌هایی دارد که استفاده از آن را برای نقل و انتقال پول توسط

گروه‌های تروریستی جذاب ساخته است. ناشناس ماندن طرفین داد و ستد و تبادل حداقل اسناد در جریان معامله، این روش را برای افرادی که به فعالیت‌های غیرقانونی مشغولند، جذاب ساخته است. جذابیت سیستم حواله، به دلیل برخی عوامل اقتصادی و فرهنگی نیز هست. ارزانی، سهولت، اعتبار و اطمینان و غیر بروکراتیک بودن، از جمله مزایای نسبی این روش در برابر روش‌های رسمی مالی است (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

گزارش‌های موجود حاکی از آن است که به‌عنوان مثال، القاعده در سال ۱۹۹۶ در افغانستان از سیستم حواله برای نقل و انتقال و افزایش توان پولی خود استفاده کرد. القاعده سیستم حواله را در پاکستان، امارات متحده عربی و تمام خاورمیانه به‌کار گرفت. گفته شده است که بعد از ۱۱ سپتامبر وابستگی القاعده به سیستم حواله بسیار زیاد بوده است (UN, 2005: 24). از آنجایی که انتقال پول از کانال‌های رسمی ممکن است سبب موشکافی و پیگیری از سوی نهادهای مالیاتی مواجه شود، تروریست‌ها از سیستم حواله به‌عنوان مجرای که چنین ظن و گمانی را بر نمی‌انگیزد، استفاده می‌کنند. علاوه بر القاعده، گروه تروریستی داعش، برای نقل و انتقالات وجه، پرداخت حقوق و مزایا از نظام بانکی غیررسمی حواله استفاده می‌کند (Cauderwood, 2014: 7). بنابراین، تروریست‌ها حساب سپرده‌ای با پول‌های کثیف حاصل از فعالیت‌های مجرمانه افتتاح می‌کنند و با سفارش‌های مکرر از طریق حواله‌های تلفنی، کتبی و ... پول‌ها را به حساب‌های متعددی در کشورهای مختلف انتقال می‌دهند.

انتقال الکترونیکی یکی دیگر از شیوه‌های نقل و انتقال مالی گروه‌های تروریستی است که به هر گونه مبادله مالی انجام شده از سوی یک شخص از طریق نهاد مالی با ابزار الکترونیک اشاره دارد. این روش به دلیل سرعت حمل و انتقال پول الکترونیکی، ضریب اطمینان بالاتر پول الکترونیکی، بی‌نام‌تر بودن پول الکترونیکی نسبت به پول سنتی، گمنامی پول الکترونیکی و سرعت و کارایی انتقال پول در سراسر مرزهای بین‌المللی مورد توجه

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۵۳

پولشویان و متخصصان مالی گروه‌های تروریستی قرار گرفته است (حیب‌زاده و میرمجیدی، ۱۳۹۰: ۲۸). در سیستم انتقال الکترونیکی، پولشو می‌تواند به راحتی و با استفاده از پول‌های الکترونیکی و توسط کارت‌های هوشمند، درآمدهای مجرمانه‌اش را با قابلیت بی‌نامی یا ناشناسی که به صورت پول الکترونیکی در آمده، رد و بدل کند.

این شیوه به تروریست‌ها کمک می‌کند تا درآمدهای مجرمانه خود را به شکل پول الکترونیکی در آورند و از مرز منتقل کنند یا از آن به عنوان پشتیبان حمله تروریستی خود استفاده نمایند. یک نمونه ایفای نقش حیاتی این روش در تأمین مالی هواپیماربایان، در ۱۱ سپتامبر برای حمله به تجارت جهانی بوده است (APG, 2003-2004, 23). رشد تجارت بین‌الملل و افزایش بیش از حد تعاملات و مبادلات مالی در بانکداری بین‌المللی فرصت‌های جدیدی برای پولشویان، سازمان‌های تروریستی و حامیان آنها فراهم کرده است تا مبادلات مالی خود را پنهان کنند (Bruce & Ohr, 2002: 40). البته، گزارش گروه اقدام مالی در سال ۲۰۱۵ حاکی از آن است که «میزان رواج واقعی و سطح بهره برداری از این فناوری‌های جدید توسط گروه‌های تروریستی، در شرایط کنونی مشخص نیست و همچنان اطلاعات زیادی در این باره وجود ندارد» (FATF, 2015: 6).

در ادامه، شیوه بهره‌گیری دو گروه تروریستی القاعده و داعش از روش‌های پولشویی برای تأمین مالی و داد و ستدهای بیرونی که در آنها کار نقل و انتقال منابع مالی ضمن پوشاندن منشاء پول به شکل همزمان صورت می‌پذیرد، توضیح داده می‌شود.

۳. روش‌های تأمین مالی گروه‌های تروریستی با بهره‌گیری از پولشویی

همان‌گونه که اشاره شد، این روش‌ها را می‌توان به دو دسته تأمین مالی به ظاهر مشروع و تأمین مالی نامشروع تقسیم‌بندی کرد.

۳-۱. تأمین مالی با استفاده از روش‌های ظاهراً مشروع

۳-۱-۱. نقل و انتقال کمک‌های شخصی افراد و گروه‌ها: یکی از تکنیک‌های مورد استفاده

گروه‌های تروریستی برای تأمین مالی، بهره‌گیری از «مؤسسه‌های خیریه» و «کمک‌های بشردوستانه جعلی» است. این گروه‌ها از طریق نقل و انتقال پول در قالب این مؤسسه‌ها می‌توانند خود را از بازرسی نهادهای مبارزه با تأمین مالی تروریسم و پولشویی و همچنین، دولت‌های تعقیب‌کننده مصون گردانند. از طرف دیگر، دولت‌های حامی تروریسم که در پی کمک به این سازمان‌ها هستند، برای مشروع جلوه دادن حمایت‌های مالی خود از طریق این مؤسسه‌ها اقدام می‌کنند. گزارش سازمان ملل بعد از حملات ۱۱ سپتامبر حاکی از آن است که مؤسسه‌های خیریه عربستان سعودی، مهم‌ترین منبع تأمین مالی القاعده بوده‌اند که هر ماه یک تا دو میلیون دلار برای سازمان القاعده پول ارسال می‌کرده‌اند (Rashid, Ameer, 2013: 97).

سازمان‌های تروریستی از اعتماد مردم به این خیریه‌ها، به‌منظور جمع‌آوری کمک‌ها که بیش‌تر آنها نقدی است، سوءاستفاده می‌کنند. برخی از این خیریه‌ها فعالیت جهانی دارند و همین مسأله به گروه‌های تروریستی کمک می‌کند تا با سوءاستفاده از این ساختار، از طریق شعبه‌های مستقر در کشورهای مختلف، پول‌ها را به مناطق نزدیک به تروریست‌ها منتقل کنند. علاوه بر این، سازمان‌های خیریه در معرض الزامات قانونی بسیار کمتری نسبت به مؤسسات مالی یا شرکت‌های تجاری در هر زمینه‌ای اعم از اخذ گواهینامه لازم، نظارت هیأت امناء و کارکنان، ارائه گزارش به مراجع قانونی و ... هستند (شمس‌ناتری و اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۷۴). اگرچه این مؤسسات ممکن است نمودی مشروع و قانونی در بین مردم داشته باشند؛ اما بنیان آنها بر جعل و تقلب استوار است. در اینجا اگرچه گروه‌های تروریستی به‌صورت مشروعی تأمین مالی شوند، این استفاده آنها از سرمایه در فعالیت‌های نامشروع و جنایی است (Krieger & Meierrieks: 2013, 88). درحقیقت، فرایند پولشویی در این مؤسسه‌ها از همان ابتدا شکل می‌گیرد تا بنیاد آن مشروع جلوه داده شود و از بازرسی سازمان‌های ضد پولشویی خود را حفظ کنند. پس از حمله ۱۱ سپتامبر، بیش از ۱۰۰ مؤسسه خیریه که در کشورهای خلیج فارس فعالیت می‌کردند، تعطیل شدند و بعد از

آن دوباره به صورت غیرآشکاری با القاعده ارتباط برقرار کردند (Camras, 2005: 3). علاوه بر این، القاعده از این مؤسسه‌های خیریه در قالب زکات و تعهدات مذهبی پول دریافت می‌کرد. مقامات آمریکایی مؤسسه خیریه «الوفا» را که یک سازمان خیریه بزرگ سعودی است و در میان گروه‌های خیریه کار انسان دوستانه مشروع انجام می‌دهد، به‌عنوان بخشی از سازمان القاعده معرفی کرده‌اند. همچنین، القاعده از بنیاد بشردوست «الحرمین» که در عربستان سعودی مستقر است و در کشورهای مختلفی از جمله: یوسنی، سومالی و کشورهای خاورمیانه شعبه دارد، پول دریافت می‌کند (Napoleoni, 2004: 118).

بن‌لادن در مبادلات بانکی، تجاری و مالی خود در سطح جهان بیش‌تر از اعتبار مؤسسات سازمان خیریه و تاجران بهره می‌برد. او برای تحقق بخشیدن به اهداف خویش، مجموعه‌ای از شرکت‌های صوری را تأسیس می‌کرد که باید در خدمت مخفی کردن فعالیت‌های این گروه قرار می‌گرفتند. بانک اسلامی «الشمال» در سودان و یک شرکت واردات و صادرات ماهی در کنیا و سازمان‌های متعدد بشردوستانه؛ از جمله سازمان بین‌المللی امداد اسلامی «ریلیف»، از جمله مؤسساتی بودند که در این راستا ایجاد شدند (راه‌نما، ۱۳۸۹: ۲۸).

طیف دیگری از کمک‌های مالی به داعش در قالب کمک‌های بشردوستانه، صدقه و زکات است که از طریق برنامه‌های کاربردی تلفن همراه همانند واتس‌آپ و کیک^۱ پرداخت می‌شود. کاربرد واتس‌آپ در سراسر جهان با ابزار نقشه‌برداری جی‌پی‌اس، به تروریست‌ها برای برقراری ارتباط و تعیین محل دقیق ملاقات کمک کرده است. کیک مزیتی مضاعف دارد که به جریان‌های تروریستی همچون داعش اجازه ثبت‌نام کاربری بدون ارائه شماره تلفن می‌دهد که امکان شناسایی را غیرممکن می‌کند. حساب‌های تویتر

وابسته به داعش آشکارا نام کاربری‌های کیک آنها را نشان می‌دهد (Giovanni et al, 2014: 5). در عین حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که کمک‌های مالی افراد و گروه‌ها، کمترین حجم منابع مالی گروه داعش را تشکیل می‌دهد (Lister, 2014).

وزارت خزانهداری آمریکا، ساوی الاجمی، از بانکداران بزرگ و عضو هیأت مدیره مؤسسه‌های بزرگ بخش مالی اسلامی کویت و همچنین، چهار روحانی سنی دیگر از جمله الانشامی را به دلیل مشارکت در جمع‌آوری وجوه برای یک مؤسسه خیریه و تحویل آنها به فردی وابسته به جبهه النصره و داعش و نیز خرید و فروش قاچاق اسلحه به نمایندگی از جبهه النصره شناسایی کرده است (محرورق، ۱۳۹۴: ۱۴۴). بنابراین، گروه‌های تروریستی، وجوه نقدی را که از نهادهای خیریه و به ظاهر مشروع دریافت می‌شود، در مؤسسات مالی خارجی و داخلی رسمی و غیررسمی سپرده‌گذاری می‌کنند و در مرحله بعد، با ایجاد لایه‌های پیچیده از معاملات یا نقل و انتقالات مالی چندگانه با هدف مبهم ساختن فرایند حسابرسی و مجهول گذاشتن هویت‌های اصلی معامله، منشاء عواید را مخفی نگه می‌دارند و در مرحله سوم با یکپارچه‌سازی و با پوشش مشروع آن عواید را وارد جریان اصلی اقتصادی گروه‌های تروریستی می‌کنند.

البته، در حوزه خاورمیانه، دو گونه مؤسسه خیریه و بشردوستانه وجود دارد و باید ماهیت قانونی و غیرقانونی آنها را از هم تشخیص داد. گروهی از این مؤسسات به صورت ناآگاهانه در انتقال سرمایه به تروریست‌ها کمک می‌کنند و گروهی دیگر به عمد درگیر فرایند پولشویی و کمک به مخفی ماندن حمایت از تروریسم هستند.

۲-۱-۳. استفاده از طلا و الماس در معاملات: جواهرات به آسانی قابل پنهان کردن و معمولاً غیرقابل ردیابی هستند؛ درحالی‌که ارزش‌هایشان را حفظ می‌کنند. در کشورهای افغانستان، پاکستان و کشورهای همسایه آنها، مردم بر اساس عادت بیش‌تر با طلا کار می‌کنند تا ارزهای خارجی. گذشته از آن، بر اساس قوانین بین‌المللی معامله با طلا محدودیت‌هایی را که

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۵۷

دولت و بانک‌های اکثر کشورهای جهان در رابطه با جابه‌جایی پول نقد ایجاد می‌کنند، دربر ندارد.

پاتریک جوست، از کارشناسان مبارزه با پولشویی معتقد است که طلا ابزاری عمده در جابه‌جایی پول تروریست‌هاست. زمانی در دهه ۱۹۹۰ گروه القاعده با استقبال از سوی طالبان روبه‌رو گردید و ذخایر بزرگ طلا نیز به افغانستان منتقل شد. بعد از اولین حمله موشکی آمریکایی‌ها، هزاران قاصد بن‌لادن با شمش‌های طلا و بسته‌های پول نقد به بندر کراچی پاکستان سرازیر شدند. طبق برآورد مقامات بندری، در ماه‌های اکتبر و نوامبر سال ۲۰۰۱، روزانه نزدیک به ۲ تا ۳ میلیون دلار پول به این بندر وارد و از کراچی به دبی فرستاده می‌شد. پیک‌های مالی، طلاها، سنگ‌های گرانبها و ارز را در نقطه‌ای به طرف مطمئنی تحویل داده و از وی می‌خواستند که در فلان شهر یا کشور، به فرد خاصی تحویل دهد. صراف یا فرد مورد اعتماد، در مکانی که توسط مشتری‌ها تعیین می‌شد، تلفنی و یا با ایمیل، با اعلام مبلغ مورد نظر و با گفتن کلمه رمز مربوط جهت تحویل امانتی، ارتباط برقرار می‌کرد و به مجرد انجام معامله، هرگونه اسنادی در این رابطه از بین برده می‌شد (راه نما، ۱۳۹۱: ۲۹). همچنین، نزدیکان اسامه بن‌لادن گزارش کرده‌اند که در سال ۱۹۹۸ بعد از بمب‌گذاری سفارت‌های آمریکا در کنیا و تانزانیا، وی ۲۰ میلیون دلار را به الماس تبدیل کرده است تا رژیم‌های مبارزه با پولشویی و منابع مالی تروریسم قادر به دسترسی منابع مالی وی نباشند. همچنین، خط مستقیم هوایی بین دبی - قندهار برای مدت زمان طولانی به عنوان دروازه قاچاق طلا فعال بوده است. سازمان‌های اطلاعاتی غرب یادآوری می‌کردند که گروه القاعده در کار قاچاق الماس نیز دست دارد. آنها الماس را از سیرالئون و کنگو خریداری و به دیگر مناطق جهان قاچاق می‌کنند (UN, 2005: 29).

تروریست‌ها اموال خود را به سرعت جابه‌جا می‌کنند تا منشاء نامشروع آنها مخفی بماند و با تبدیل پول نقد به طلا و الماس و سپس فروش آن در بازارهای دیگر و تبدیل

دوباره آن به پول نقد، منشاء جرم و دستیابی اولیه آن را از نهادهای پولشویی و مبارزه با تروریسم مخفی نگه می‌دارند. در اینجا فلزات گرانبهای طلا و نقره به صورت دوطرفه، به حفظ منابع مالی تروریسم کمک می‌کند؛ از یک طرف تروریست‌ها، پول‌های مورد ظن خود را به طلا و نقره و فلزات گرانبها تبدیل می‌کنند و از طرف دیگر، می‌توانند فلزات گرانبهایی را که از راه قاچاق، اهدا و ... به دست آورده‌اند، در مؤسسات پولی و مالی به پول تبدیل کنند و از طریق پولشویی آن را مشروع جلوه دهند. این روش و سایر شیوه‌های فوق از آنجا در زمره پولشویی قرار می‌گیرند که پولشویی برای مشروع جلوه دادن درآمدهای نامشروع و غیرقانونی انجام می‌گیرد تا منشاء مجرمانه درآمدها پنهان گردد. بنابراین، در اینجا دو جرم وجود دارد: یکی جرمی که اموال نامشروع در نتیجه آن حاصل شده و به آن جرم منشاء گفته می‌شود و دیگری جرم پولشویی است که به‌منظور پنهان کردن عواید حاصل از جرم صورت می‌گیرد. براین اساس، عواید حاصل از جرم‌های فوق به‌عنوان روش‌های تأمین مالی تروریسم می‌تواند موضوع و منشاء پولشویی قرار گیرد و تروریست‌ها به محض کسب درآمدهای ناشی از فعالیت‌های مجرمانه به فکر تطهیر درآمدهای ناشی از آن می‌افتند.

۲-۳. روش‌های نامشروع تأمین مالی: به‌طور طبیعی، طیف گسترده‌تری از روش‌های تأمین مالی گروه‌های تروریستی، به شکلی صورت می‌پذیرد که پول حاصل از جرم منشأ را به گونه‌ای تطهیر کند و از این طریق، با تبدیل شدن پول کثیف به پول پاک، امکان بهره‌گیری از آن برای تدارک مالی گروه تروریستی در حوزه‌های مختلف فراهم شود. در ادامه، به این روش‌ها بر اساس تجربه عملکرد دو گروه تروریستی القاعده و داعش اشاره می‌شود.

۱-۲-۳. نقل و انتقال درآمدهای حاصل از فروش غیرقانونی نفت و اخاذی از بانک‌ها: این شیوه کسب و انتقال درآمد بیش‌تر مورد توجه گروه تروریستی داعش بوده است. گروه داعش با توجه به کنترل بر مناطق دارای ذخایر نفت در عراق و سوریه، از فروش این منابع

درآمدهای فراوانی کسب کرده و در مواقعی فروش غیرقانونی نفت، منبع اصلی درآمد این گروه را تشکیل داده است (Hunt, 2015). بر اساس گزارش‌های موجود؛ نفت به دست آمده در مناطق تحت کنترل داعش به صورت قاچاق در بازار آزاد فروخته می‌شود و در مرزهای ترکیه و سوریه به قاچاقچیان به زیر قیمت بازار عرضه می‌گردد. گروه داعش در عین حال شبکه‌ای از قبایل در عراق و سوریه به وجود آورده است که محموله‌های سوختی را دریافت می‌کنند و در بازار آزاد به فروش می‌رسانند (دهشیار، ۱۳۹۵: ۲۲). بر این اساس، برخی درآمد روزانه داعش از منابع نفتی را دست‌کم سه میلیون دلار تخمین زده‌اند. علاوه بر درآمد نفتی، گروه داعش اخاذی و سرقت از بانک‌ها و مناطق تحت سیطره خود و همچنین، دستبرد به بانک‌های واقع در عراق و سوریه را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهکارهای مهم تأمین مالی خود مد نظر داشته است (نساج و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۴).

در عین حال، گزارش‌های موجود حاکی از آن است که سهم درآمدهای نفتی در منابع مالی داعش از سال ۲۰۱۴ رو به کاهش گذاشته است و بر اساس گزارشی، این درآمدها در فاصله اکتبر ۲۰۱۴ تا آوریل ۲۰۱۵، حدود ۸۰ درصد کاهش پیدا کرده است. علت این امر، عملیات هوایی علیه فروش نفت داعش، تقویت اقدامات امنیتی در مرز ترکیه و کاهش اخیر بهای نفت در بازارهای جهانی بوده است (Shostak, 2017: 44).

در هر حال، آنچه در اینجا حائز اهمیت است، این است که این گروه تروریستی با استفاده از فرایند پولشویی، درآمد حاصل از این فعالیت‌های غیرقانونی را در گردش مشروع قرار داده و به کمک فرایندهای بانکی و مؤسسه‌های مالی و ایجاد هویت جعلی، منشاء نامشروع آنها را پنهان می‌کند و در تأمین هزینه فعالیت‌های تروریستی، از آنها بهره برداری می‌نماید.

درواقع، در اینجا فرایند پولشویی پیچیده‌تری شکل می‌گیرد؛ یعنی ابتدا پول نقد حاصل از جرائم اخاذی و فروش نفت با جایگذاری وجه نقد در مؤسسات مالی وارد

مرحله لایه‌گذاری از فرایند پولشویی می‌گردد و در این مرحله برای مبهم ساختن منشاء غیرقانونی پول، تروریست‌ها شروع به نقل و انتقال وجوه سپرده شده در این مؤسسات می‌کنند تا زمینه به‌کارگیری و توزیع این منابع مالی برای فعالیت‌های تروریستی فراهم گردد (مرحله یکپارچه‌سازی). بنابراین، برای پنهان کردن و حفظ منابع مالی حاصل از این جرائم از هویت‌های متفاوت، کارت‌های اعتباری متعدد و حساب‌های بانکی با نام جعلی و مختلف استفاده می‌کنند و از طریق اینترنت و تلفن‌های موبایل، با هم در ارتباط هستند و هیچ‌گونه رد پا یا علامتی را که قابل شناسایی و پیگیری باشد، برجا نمی‌گذارند و از این طریق، ماهیت سرمایه‌ها را تغییر داده و مقامات بانکی را فریب می‌دهند.

۲-۳. اقدامات جنایی مرتبط با قاچاق انسان و مواد مخدر: اولین نسخه توصیه‌های گروه ویژه مبارزه با تأمین مالی تروریسم (FATF) در سال ۱۹۹۰ میلادی و به‌عنوان اقدامی ابتکاری برای مبارزه با سوءاستفاده از نظام‌های مالی توسط اشخاصی که عواید حاصل از قاچاق مواد مخدر را پولشویی می‌کردند، منتشر شد (زارع قاجاری و قائم‌مقامی، ۱۳۹۲: ۱۶). تأکید گروه اقدام کاری نشان‌دهنده اهمیت این اقدامات جنایی در فرایند رشد و تقویت مالی تروریسم است. تجارت مواد مخدر جان تازه‌ای به تروریست‌ها می‌بخشد و آنها را در رسیدن به خودبستگی یاری می‌کند. در خاورمیانه، القاعده برای تأمین مالی خود از قاچاق مخدر استفاده نموده و میلیون‌ها دلار از طریق مواد مخدر برای پشتیبانی عملیات خود جمع کرده است (Napoleoni, 2004: 94).

عبدالقیوم فدوی، نویسنده و تحلیلگر مسایل سیاسی در امور افغانستان، در این باره می‌نویسد: «بن لادن در افغانستان یکی از بارزترین منابع تأمین افیون خام در سطح جهان به حساب می‌آمد و توانسته بود بر بازار بورس جهانی مواد مخدر سلطه پیدا کند و از این طریق، افیون خام تهیه شده در اختیار کارخانجات و شرکت‌های دارویی گذاشته می‌شد» (به نقل از راه‌نما، ۱۳۸۹: ۲۶). همچنین، درآمد بالای حاصل از تجارت مواد مخدر برای داعش

به گونه‌ای است که نیروهای داعشی را به تلاش برای یافتن بازارهای فروش در کشورهای اروپایی و آفریقایی ترغیب کرده است. برخی میزان درآمد داعش از تجارت مواد مخدر را تا سقف حدود یک میلیارد دلار در سال برآورد نموده‌اند. داعش در کنار بهره‌گیری از کشت مواد مخدر در افغانستان، خود به تولید و کشت مواد مخدر همچون تریاک و حشیش در برخی از مناطق مثل «حمام العلیل» و «محلبيه» پرداخته است. پیوند میان تروریسم و کشت و فروش مواد مخدر به گونه‌ای است که بسیاری از تحلیلگران بین این دو ارتباط مستقیمی برقرار نموده‌اند؛ چنانکه با افزایش فعالیت گروه‌های تروریستی، تجارت مواد مخدر نیز افزایش یافته است (نساج و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۹).

علاوه بر قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و آدم‌ربایی به‌عنوان جنایتی برای غرامت‌گیری و اخذ باج، به یکی از منابع تأمین مالی برای تروریست‌ها به‌طور کلی و دولت اسلامی عراق و شام به‌طور اخص تبدیل شده است. در مطالعه‌ای که از سوی بنیاد «رند» در سال ۲۰۱۴ انجام شد، نشان داده شد که در فاصله ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ که این گروه در قالب «القاعده عراق» و بعد «مجلس شورای مجاهدین» فعالیت می‌کرد، کمک‌های مردمی خارجی تنها ۵ درصد از بودجه عملیاتی آنها را تشکیل می‌داد. در همین بازه زمانی «هسته‌ها» ملزم بودند تا ۲۰ درصد از درآمد کسب شده از آدم‌ربایی‌ها، اخاذی‌ها و سایر فعالیت‌ها را به رهبری بدهند. گروه داعش در ابتدا برای تأمین منابع جهت ممکن ساختن حضور خود در عراق و سوریه به آدم‌ربایی و باج‌گیری متوسل شد که هم‌اینک نیز این شیوه‌ها مورد توجه است. البته، کشورها از طریق سازمان ملل متعهد شدند که به گروه‌های ستیزه‌جوی تروریستی هیچ‌گونه باجی پرداخت نکنند؛ اما برخلاف آمریکا و انگلستان، بسیاری از کشورهای اروپایی پرداخت باج را معقول‌ترین راه‌حل یافته‌اند. امروزه گروگان‌گیری برای دریافت باج به یکی از شیوه‌های متداول گروه داعش تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۰ برای هر گروگان ۲۰۰ هزار دلار در نظر گرفته می‌شد که امروزه این میزان به ۹۹ میلیون دلار افزایش یافته

است (دهشیار، ۱۳۹۵: ۲۳). همچنین، داعش و گروه‌های وابسته به آن، صدها نفر از عراقی‌ها، سوری‌ها، اقلیت‌های دینی و اتباع غربی را ربوده و در قبال آزادی آنها باج‌خواهی کرده‌اند. برآوردهای گروه اقدام مالی، بیانگر این است که در سال ۲۰۱۴ این گروه ۲۰ تا ۴۵ میلیون دلار از طریق باج‌خواهی در قبال آزادی گروگان‌ها به دست آورده است (FATF, 2015: 17).

بررسی‌های نیویورک تایمز نیز در این رابطه نشان می‌دهد که القاعده و وابستگان مستقیم آن از سال ۲۰۰۸ به این سو حداقل ۱۲۵ میلیون دلار از محل آدم‌ربایی درآمد داشته‌اند که از این مبلغ فقط ۶۶ میلیون دلار در سال گذشته پرداخت شده است. وزارت خزانه‌داری ایالات متحده نیز مقدار این غرامت‌های پرداختی را در مجموع تا سال ۲۰۱۴، مبلغی بالغ بر ۱۶۵ میلیون دلار اعلام کرده است (نساج و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۹).

امروز قاچاق انسان و آدم‌ربایی به صنعتی پیچیده تبدیل شده است که در هر سال میلیاردها دلار گردش مالی دارد. در همین راستا، تروریسم با قاچاق انسان و جرائم سازمان‌یافته همچون پولشویی پیوند خورده است. در معاملات مربوط به مواد مخدر، قاچاق انسان و آدم‌ربایی، فروشنده پول نقد دریافت می‌کند و با توجه به اینکه مبالغ دریافتی ممکن است توجه مأموران دولت و سازمان‌های مبارزه با تأمین مالی تروریسم را به خود جلب کند، مبالغ حاصل از این فعالیت‌های مجرمانه، منتقل می‌شود و یا به نوعی تغییر شکل می‌دهد تا ظاهری مشروع و قانونی پیدا کند. در این مورد، ابتدا جایگذاری یا تزریق عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه قاچاق انسان و مواد مخدر به شبکه مالی رسمی، با هدف تغییر و تبدیل مالکیت آن صورت می‌گیرد و مرحله بعد لایه‌گذاری و جداسازی عواید حاصل از این فعالیت‌ها از منشاء غیرقانونی آنهاست. در آخرین مرحله با یکپارچه سازی، زمینه توجیه قانونی این عواید فراهم می‌گردد. باید توجه داشت که اگر تطهیر درآمدهای حاصل از قاچاق انسان و مواد مخدر صورت نپذیرد، امکان ردیابی قانونی

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۶۳

منابع درآمدی گروه‌های تروریستی و مصادره آن وجود خواهد داشت.

جدول ۱: برآورد منابع تأمین مالی القاعده و داعش

درصد	منابع داعش	درصد	منابع القاعده
۵۵	نفت و گاز	۳۰-۳۵	حمل و نقل و قاچاق مواد مخدر
۲۰	معدن	۲۵-۳۰	مؤسسه خیریه و کمک‌های اهدایی
۷	کشاورزی	۱۰-۱۵	فعالیت‌های جنایی (بانک ربایی، آدم‌ربایی ...)
۱۲	اخاذی و باج‌گیری	۱۰-۱۵	تجارت غیرقانونی الماس
۲	کمک‌های اهدایی	۵-۲۵	ابزارهای تأمین مالی ناشناس (قانونی و غیرقانونی)
۴	دیگر منابع	----	-----

Source: Brisard and Martinez, 2004: 9 & Friedrich, 2004:120

بنابر داده‌های جدول بالا، می‌توان نتیجه گرفت که حدود ۸۵٪ از منابع تأمین مالی القاعده به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با پولشویی و فرایند آن در ارتباط بوده و فقط حدود ۱۵٪ از منابع آن که ناشناس است، در پیوند با فرایند پولشویی قرار نمی‌گیرد. درباره داعش نیز می‌توان گفت منابع درآمدی مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی و دیگر منابع به‌طور مستقیم (مجموعاً ۱۱ درصد منابع) در فرایند پولشویی درگیر نیست و بر این اساس، حدود ۹۰ درصد از منابع تأمین مالی این گروه؛ به‌ویژه دادوستدهای آن با طرف‌های خارجی، با بهره‌گیری از روش‌های مختلف پولشویی صورت می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری

چنانکه مطرح شد، شیوه تأمین مالی القاعده و داعش، روش‌ها و منابع متعدد و متفاوتی دارد و تروریست‌های القاعده و داعش برای تأمین منابع مالی اقدامات خود به‌توسل به

جرم‌های سازمان‌یافته و به‌ویژه پولشویی نیازمند هستند. تردیدی نیست که استمرار حیات و گسترش فعالیت گروه‌های سازمان‌یافته تروریستی در خاورمیانه، به تزریق مستمر منابع درآمدی به این گروه‌ها و تشکیلات مرتبط با آنها وابسته است. از این رو، شناخت دقیق اقتصاد سیاسی تروریسم سازمان‌یافته و پویای آن، کلید برخورد مؤثرتر با معضل گسترش این گونه فعالیت‌ها در منطقه خاورمیانه است. همان‌گونه که مقاله نشان داد، منابع تأمین مالی گروه‌های تروریستی القاعده و داعش، هم متنوع است و هم پیچیده و هم در طول زمان تغییر و تحولاتی را تجربه کرده است. تلاش رهبران این گروه‌ها برای متنوع سازی درآمدها و بهره‌برداری از شگردهای پیچیده پولشویی عملاً وضع موجود را بغرنج‌تر کرده است. به همین علت است که در دوره زمانی مورد بحث در مقاله، منطقه خاورمیانه عرصه تاخت و تاز گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته بوده است.

به‌طور قطع، خشکاندن ریشه‌های تروریسم؛ به‌ویژه از نوع سازمان‌یافته آن در منطقه غرب آسیا، به زمینه‌ها و شروط فراوانی نیاز دارد. با این حال، بررسی اقتصاد سیاسی تروریسم در منطقه و به‌ویژه در زمینه تنوع منابع روش‌های تأمین مالی گروه‌های تروریستی، دادوستد و شیوه‌های جابه‌جایی منابع مالی توسط این گروه‌ها، پیچیدگی معضل موجود و لزوم جامعیت سازوکارهای مقابله با تروریسم را گوشزد می‌کند. دولت‌های حامی گروه‌های تروریستی، نقش مهمی در تأمین مالی تروریسم سازمان‌یافته در منطقه ایفا می‌کنند و این موضوع، اهمیت وجود اراده سیاسی در برخورد ریشه‌ای با این معضل را در سطح منطقه و فرامنطقه گوشزد می‌کند. به‌طور قطع، می‌توان گفت موفقیت تروریسم سازمان‌یافته در بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف پولشویی نیز نمی‌تواند بدون کمک و حمایت فنی دولت‌های حامی محقق شده باشد. بنابراین، گام نخست در برخورد با این معضل، تجمیع اراده سیاسی در سطح قدرت‌های تأثیرگذار منطقه و فرامنطقه در برخورد با غده چرکین تروریسم در منطقه است. مسلماً سازوکارها و روش‌های فنی مقابله با پولشویی در مرحله

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۶۵

بعد، می‌تواند در مهار مؤثر فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در منطقه منشاء اثر باشد؛ بدان شرط که این سازوکارها و تدابیر، وسیله بهره‌برداری سیاسی علیه دیگر قدرت‌های رقیب در منطقه قرار نگیرد؛ وضعیتی که متأسفانه امروز در برخورد نظام و شبکه بانکی غرب علیه کشورمان به چشم می‌خورد.

منابع

- آقای، سید داوود. (۱۳۸۸). نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران: سرای عدالت، چاپ سوم.
- دهشیار، حسین. (۱۳۹۵). «گسل‌های هویتی و اقتصاد سیاسی داعش»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره سوم، پاییز.
- حبیب زاده، محمدجعفر و میرمجیدی، سید سپیده. (۱۳۹۰). «نقش بانکداری الکترونیکی در پولشویی و روش‌های مقابله با آن»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۵، ش ۱.
- جان‌نثار، حمید و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی کارآمدی تئوری محدودیت نسبی تدگر در تحلیل پدیده تروریسم در خاورمیانه»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۳، تابستان.
- خدادادی زاده، محبوبه. (۱۳۹۳). «پولشویی ناشی از ترانزیت مواد مخدر و راهکارهای مبارزه با آن»، مجله بانک و اقتصاد، ش ۱۲۹.
- جزایری، مینا. (۱۳۸۲). «پولشویی و مؤسسات مالی»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال دهم، ش ۳۷.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم و اسلامی، داود. (۱۳۹۴). «ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم»، مطالعات حقوقی کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۲، ش ۴ و ۵.
- سلیمی، صادق. (۱۳۸۲). جنایات سازمان یافته فراملی، تهران: صدرا.
- راه‌نما. (۱۳۹۱). ماهنامه مطالعات بین‌المللی تروریسم، سال دوم، شماره پنجم و ششم، فروردین و اردیبهشت.
- زارع قاجاری، فردوس و قائم‌مقامی، علی. (۱۳۹۲). استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، تهران: تاس.
- صالحی، جواد و همکاران. (۱۳۹۳). «پولشویی و آثار منفی آن؛ از تحریک جامعه بین‌الملل تا پاسخ حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس، ش ۱۹، پاییز.

تأثیر پولشویی بر رشد تروریسم سازمان یافته در خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۰۱) / ۱۶۷

عظیمی، فاطمه و میرزایی محمد. (۱۳۹۴). «مبارزه با فساد مالی و پولشویی با تأکید بر نقش اینترنت»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، ش ۲۱، بهار. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد (مصوب ۱۳۸۲/۸/۹ هجری شمسی برابر با ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ میلادی).

محروق، فاطمه. (۱۳۹۴). «اقتصاد سیاسی تروریسم: مورد داعش»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره چهارم، زمستان.

مطهری‌خواه، ذبیح. (۱۳۹۵). «بررسی فقهی حکم پولشویی از دیدگاه امام خمینی»، پژوهشنامه متین، سال هجدهم، ش ۷۰، بهار.

مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق. (۱۳۸۸). «دگرگونی مفهوم تروریسم؛ بررسی موردی تروریسم در هند»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۲۶۰.

نساج، حمید و همکاران. (۱۳۹۴). «شناسایی و تأمین منابع مالی داعش»، حبل‌المتین، دوره چهارم، شماره یازدهم.

نصراللهی، زهرا و حکیمی، ندا. (۱۳۹۴). «بررسی روند حجم پولشویی و تأثیر آن بر مصرف در ایران: رویکرد مدل ساختاری با کاربرد نرم‌افزار آماس گرافیک»، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۱۲، ش ۴.

Anna. (2011). *Money Laundering*, AM. CRIM. L. REV. Vol.48.

Bookmetrix. (2006). *Suppressing Terrorist Financing and Money Laundering*, Berlin: Springer & Heidelberg.

Bank Negara Malaysia. (2014). *Anti-money laundering, anti- terrorism financing and proceeds of unlawful activities act 2001*.

Brigitte Unger & Daan van der Linde (2013) *Research Handbook on Money Laundering*, University of Liverpool, [https://www. elgaronline.com /view/9780857933997.xml](https://www.elgaronline.com/view/9780857933997.xml).

Kuipers, Arie C. (2011). "The Root Causes of Terrorism in the Middle East", date of access 2014/9/25, in www.vanity.dss.ucdavis.edu.

- Casella, Stefan D. (2003). "Reverse money laundering", *Journal of Money Laundering Control*, 7 (1), 92-4.
- Cauderwood, Katrian .(2014). "Islamic State: How Terrorists Groups Move Millions without a Paper Trail" *International Business Times*,
- Charles Lister, "Cutting off ISIS' Cash Flow," *Brookings*, October 24, 2014, <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2014/10/24-lister-cutting-off-isis-jabhat-al-nusra-cash-flow>.
- Comras, Victor .(2005). "Al Qaeda Finances and Funding of Affiliated Groups", *Strategic Insights*, Volume IV, Issue 1.
- Christine Duhaime, "White Paper on Islamic State Funding: Terrorist Financing and the Islamic State," *Duhaime Law*, April 2015, <http://www.antimoneylaunderinglaw.com/2014/09/islamic-state-who-finances-isis-and-bank-risk-factors-for-terrorist-financing.html>.
- Dawe, Stephen .(2013). "Conducting national money laundering or financing of terrorism risk assessment", *Research Handbook on Money Laundering*, , University of Liverpool.
- FATF .(2004). "The 40 Recommendations + IX Special Recommendations" www.fatf-gafi.org/publications/fatfrecommendations/.../ixspecialrecommendations.html.
- Ganor, Boaz .(2015). "Defining Terrorism: Is One Man's Terrorist Another Man's Freedom Fighter?" *Police Practice and Research*, Vol. 3, No. 4.
- Giovanni, J. McGrath Goodman,L & Damien, S (2014)"The Money behind the Terror", *Newsweek Global*, 163 (19).
- Gunaratna, R .(2002). "Terrorism's Financial Lifeline: Can It be Severed?", *Strategic Forum, Institute for National Strategic Studies, National Defense University*, No.191.
- Hamin,z & Cooperators .(2015). "When property is the criminal: confiscating proceeds of money laundering and terrorist financing in Malaysia", *international accounting and business conference*,
- Hamin,z; wan rosli,w.r .(2013). "maney, must be plenty in the rich mens world: constructing criminal property in money laundering offences in the UK", Paper presented at international conference on financial criminology, global trends in financial crimes in the new economies, may 28-29,2013, holiday in hotel, glenmarie, shah alam, Selangor, Malaysia.

- “Cutting Islamic State’s Purse Strings”, 2015, Hunt, Albert, <https://www.bloomberg.com/view/articles/2015-01-26/u-s-attacks-islamic-state-oil-revenue>
- HM Treasury .(2015). “UK national risk assessment of money laundering and terrorist financing”, published in 15 October by HM Treasury and Home Office .
- Kersten, Armand .(2002).” Financing of Terrorism — A Predicate Offence to Money Laundering?” in *Financing Terrorism*, Springer Netherlands, University of Basel.
- Krieger, Tim and Meierrieks Daniel .(2013).” Brigitte Unger and Daan van der Linde”, *Research Handbook on Money Laundering*, University of Liverpool, <https://www.elgaronline.com/view/9780857933997.xml>.
- Lopez, Linette .(2012).” Report Shows How HSBC Maintained Its Ties with One of Osama Bin Laden’s Key Benefactors”, *BUS INSIDER*, Available at: <http://www.businessinsider.com/hsbc-ties-to-alrajhi-bank-2012-7>.
- McCarthy, K.J., Pevan Santen, and I. Fiedler .(2014). “Modeling the money launderer: Microtheoretical arguments on anti-money laundering policy,” *International Review of Law and Economics*,
- Napoleoni, Loretta .(2004). ‘The new economy of terror: how terrorism is financed’, *Forum on Crime, Journal of Money Laundering Control*.
- Robert, A. Pape .(2003).”Strategic logic of suicide terrorism” in: *American Political Science Review*, Vol. 97, No. 3, August .
- Schneider, Friedrich .(2004). “Macroeconomics: The Financial Flows of Islamic Terrorism”. In: Maschiandaro D (ed) *Global Financial Crime: Terrorism, Money Laundering and OffshoreCentres*, Ashgate Pub Ltd.
- Schneider, Friedrich .(2010)., “The (hidden) flows of terrorist and organized crime organizations: a literature review and some preliminary empirical results”, *IZA Discussion Paper*, No. 4860.
- Shostak, Alessio .(2017).” Striking at their Core – De-funding the Islamic State of Iraq & Syria” *Journal of Terrorism Research*, Volume 8, Issue 1–February .

The Impact of Money Laundering on Expansion of Organized Terrorism in the Middle East (2001-2016)

Saeed Mirtorabi¹(corresponding author): Assistant professor in international relations, Kharzami University, Tehran.

Mohsen Keshvari Azad: Ph.D. student in international relations, Kharazmi University, Tehran.

Received on: 10.3.2018

Accepted on: 13.12.2018

Abstract:

The expansion of terrorism and its widespread occurrence particularly the organized one had led researchers to deeply study the roots, causes and the ways to contain it. Since the Middle East region is one of the centers which terrorism has grown considerably, the present article wants to study the impact of money laundry as one of the factors that reinforces the terrorist groups in the Middle East. The article wants to answer this question that how money laundering helps the growth of organized terrorist groups (Al-Qaeda and ISIS) from 2001 to 2016. The hypothesis is that money laundering by providing a secure network for supplying major part of financial resources and external transactions of organized terrorist groups with foreign partners has created the ground for the growth of organized terrorism in the Middle East from 2001 to 2016. The article shows the complexity and the dimension of money laundering techniques used by organized terrorist groups for financial transaction and money transfer. Therefore, there is a need for a comprehensive and common political will with the region and beyond the region to contain the challenge of money laundering by organized terrorist groups. This will be possible when the measures and mechanism decided for this purpose do not be used for political capital again certain countries in the region, a situation which unfortunately used by the Western Banks against Iran. The methodology used by the article is descriptive-analytical.

Key words: money laundering, terrorism, financing, trade, Al-Qaeda, ISIS.

¹. saeedmirtorabi@gmail.com